

سرخط فرهنگ

توسط انجمن کتاب‌سیمرغ برگزار شد: نشست «شب‌سوزان ابوالهوی»

نشست «شب‌سوزان ابوالهوی»، شامگاه سه‌شنبه ۱۲ تیرماه توسط انجمن کتاب سیمرغ برگزار شد. در این نشست انجمن ترمیم فرخ‌خو، داستان‌نویس و کارشناس زبان و ادبیات فارسی و مصطفی بیان، داستان‌نویس و مدیر انجمن داستان سیمرغ، نیشابور دربارهٔ جهان داستانی سوزان ابوالهوی سخنرانی کردند. به گزارش آفتاب صبح نیشابور، سوزان ابوالهوی، نویسنده فلسطینی ساکن آمریکا و برکنده جایزه ادبی نوبل‌ستادگان عرب آمریکایی سال ۲۰۲۱ است. ابوالهوی علاوه بر نگارش داستان و رمان، فعال حقوق بشر و بنیان‌گذار یک سازمان غیردولتی به نام «زمین برای برای فلسطین» است. اولین رمان او با نام «صیحه‌گاه در جنین» در سال ۲۰۱۰ در آمریکا منتشر و بیش از یک میلیون نسخه از آن فروخته شد و همچنین مورد تحسین منتقدان قرار گرفت. این رمان در سال ۱۳۹۵ توسط نشر آریا با ترجمه فاطمه هاشم زاهد با عنوان «زخم داوود» و ولد بازر کتاب شد و اسامیل باجم آن به چاپ رسید. رمان «زخم داوود»، یک رمان سیاسی و تاریخی است که در وقایع سال‌های ۱۹۴۱ تا ۲۰۰۳ فلسطین می‌پردازد.

رومنمای از زمان جدید امیرحسین روح‌نیا

نشست رومنمای از زمان «ای من» نوشته سیمرغ نیشابور و محور نشرمادانستان، نویسنده فلسطینی ساکن آمریکا، شنبه دوم تیرماه در محل اجتماع برگزار شد. به گزارش آفتاب صبح نیشابور، مصطفی بیان، مدیر انجمن داستان سیمرغ نیشابور از ابتدای این نشست ضمن خوشامدگویی به مهمان گفت: «اگر ما می‌خواهیم روایتی از جست‌وجو و گولج‌جست‌جست‌جست کنیم، می‌توانیم که امیرحسین را در ابتدا یک نمایشنامه‌نویس و کارگردان تئاتر معرفی می‌کنیم. او سال‌ها در عرصه تئاتر تلاش و زحمات گسترده کارهای خیلی خوبی در نیشابور، تهران و سفهان به روی صحنه برده است. او دو سال است که به نیشابور برگشته و از طرف دعوت گرمی ما در انجمن داستان حضور یابید و تجربیاتش را در حوزی داستان و داستان‌نویسی را در اختیار همسفرهای خودگذاریم. بیان در ادامه توضیح داد: «رمان‌ای می‌تواند یک متن مستقل امیرحسین روح‌نیا باشد، یک رمان در ژانر اجتماعی و خانوادگی، یا تریسک می‌گوییم و اسلوب و کتابش دیده و کتاب‌های بعدی‌اش هر چه زودتر منتشر شود. در ادامه نشست، مرتضی فخری، فاطمه داستانی و خاتمه قیصری دربارهٔ رمان «ای من» نوشته امیرحسین روح‌نیا تئاتر است. او اولین امیرحسین روح‌نیا، بخشی از رمانش را برای حاضران نمایش خواند. امیرحسین روح‌نیا، متولد سال ۱۳۶۱ در نیشابور، داستان‌نویس، نمایشنامه‌نویس و کارگردان تئاتر است. او اولین مجموعه نمایشنامه‌اش را با عنوان «عقیق در قلب رمان» در ژانر اجتماعی و خانوادگی، یا تریسک، فعالیت برحسین روح‌نیا در حوزی نوشتن نمایشنامه‌ها و کارگردانی تئاتر است که چندین نمایش با بازیگران کارگردانی خود بر روی صحنه برده و با اقتباس از سوی مخاطبین و داوران مختلف از جمله روزه‌های استانی و کشوری رویز شده است. وی همچنین داور ششمین جایزه داستان سیمرغ در سال ۱۴۰۱ بوده است.

این نکوداشت اسطوره و گنجینه زنده بشری، فاروق کبانی‌پور، همدان با رومنمای از رمان «فاروق» با حضور محمود دولت‌آبادی، فرانسه کابلی، مجید ملاهورزی، مهدی ناظم‌زاده، شهرام گیل‌آبادی، محمود عطار، امید مجدوشیلا ناظران ۲۷ خرداد ۱۴۰۲ در خانه هنرمندان ایران برگزار شد. به گزارش آفتاب صبح نیشابور، رمان تاریخی «فاروق» نوشته‌ی شهلا ناظران در ۲۲۸ صفحه است که توسط انتشارات زمان رشد منتشر شد. این رمان دربارهٔ زندگی هنری محمدفاروق کبانی‌پور رقصنده‌ی محلی و لیبی تیزت جام است که در چندین جشنوارهٔ ایرانی و جهانی به شهرت و افتخار رسیده است. از شهلا ناظران، پیش از این، رمان تاریخی «ایسه» در زمستان ۱۴۰۰ منتشر شده است. شهلا ناظران عکاس، پژوهشگر، رمان‌نویس، متولدسال ۱۳۳۳ و ساکن نیشابور است. فاروق کبانی‌پور در این مراسم پس از رقصی کوتاه به پشت‌تربون رفت و اشاره به حضور محمود دولت‌آبادی گفت: «چو با یاد یک هرچه باشد نکوست/ حلال است رقصی است که با یاد اوست از کسی که دفعه مردم ستودیده ایران را در رمان کلید نشان داد و نشان داد که سانی را به ریج می‌برند و زحمت می‌کنند و سر را در کنار خوانده خویش بر بالین می‌گذارند و دست‌خیز لبان را کسند دیگر به‌بما می‌برند، سپس گرام، کلید هوبت ملی مردم خراسان است. کلید شاهنامه‌خود امیران است. من در سال ۱۳۶۰ که اجازه اجرای این رقص‌ها و رقص‌های حماسی را نداشتیم، کلید را مطالعه کردم و به خودم گفتم باید چیزی در این هنر ملی باشم. من یک روزنامه‌گرد خراسانی هستم و در سال‌های تئاتر جهان‌توانستم این حماسه مردم‌غیر ایران را به‌اندیشان‌دهم. سال ۱۳۵۵ مشق بلاتن را در صد نظامی لشکر ۷۷ خراسان آموختم. بلاتن که مخفف پیل‌تلان است دو رقص سواره و پیاده دارد. بلاتن، رزم‌صیحه‌گانی سربازان خاتمشانی و لشکری بود و کسی جز من نمی‌تواند بلاتن سواره را اجرا کند. چوپاری خراسان از لحظه اول تا فیکور آخر نام‌گذاری شده است. ماه دلاوی از نام برن این‌ها محروم شدیم و این‌ها در بن‌نویسم‌نامه خود را از بازیابی و مالیت خود بیشتر نشانمایی.»

با دست به سینه ایستاد و از همه هنرمندان و روزنامه‌گاران که این هنر را شماماندند قدرانی کرد. گفت: «بپتر بوبک سال ۱۳۵۰ به تربت جام آمد و اجرای ما در دید و پرسید استاد شما کیست. گفتم خودم ابوبخارم. گفت فاروق هنرمند بدون استاد است و گفت ریشه پاتومیس را از این جوان روستایی آموختم. مردم به هنرشان احترام می‌گذارند و اجازه نخواهند داد شناسنامه‌شان خسته‌دار شود. پاینده ایران!» فاروق کبانی در مورد چگونگی شکل‌گرفتن کتاب چنین گفت: «رمانی که آواز «رمان‌نویان ایسه» را شنیدم، توسط یکی از دوستان در نیشابور به دیدار نویسنده آن، خاتم‌تقرظ فرقی، رسانید. از شنیدن گزیده‌هایی از گذشته‌های پرزده و چیدم، قبول زحمت نمودند تا زندگی ما را با ریشه‌ها و تجربی‌ها در زمان کتابت، در سرما و گرما به ما تربت‌جام آموختند و علاوه بر اطلاعاتی خودمان اختیارشان می‌گذاشتند. به‌رسته‌های کزیمانی و فرم‌های که ما می‌شناختند، پرس‌وجوی کردند تا داستان کتاب را بر اساس واقعیات پیش‌برند. از شروع نوشتن کتاب تا پایان مراحل گرفتن مجوز و چاپ توسط انتشارات که جمعا دو سال به‌طول انجامید. خان‌ناظران کارهای کتاب را از شخصاً برده داشتند.» محمود دولت‌آبادی، نویسنده سرشناس ایرانی، در این رویداد گفت: «فاروق را در مقام یک هنرمند از دیدار می‌شناسم. رقص او سماع نیست، بلکه رقصی رزم است. رفتار حماسی در رقص خراسان در هنر اومتیلور است. ما

در رومنمای از اثر هنرمند نیشابور در خانه هنرمندان ایران طرح شد:

مردم‌شناسنامه فرهنگی شان را فراموش نمی‌کنند



چالش روز

خراسانی‌ها همیشه در معرض هجوم اقوام بدوی بوده‌اند و رقص ایشان در جاهایی کم‌کم است و در جاهایی در حال یگانه‌ی باقی بود. فاروق کبانی‌پور نمایشنامه‌شسته رقصی تربت‌جام است. شهلا ناظران اشاره به همه ادیبان و هنرمندان حاضر در جلسه چنین گفت: «شاید نام به‌شما درودی آزاد شنیدم، برپال شعری صاف، از سوسه‌های فلم است. شما که عمری در عشق زمستان‌اید تا به نسیم فرصت وزیدن به گل‌ها فرجه رقصین به زندگان مهلت معماری و به انسان درنگی نگاهتان برای اندیشیدن ندهید. در این راستا من هم با پای که به زندگی برقرار و نشیب استاد فاروق زده؛ صادق‌ترین پنهان‌شده‌های زندگی ایشان را می‌پیرایم. حیات بخشیم تا روح هوبتی او در اقلیم می‌بازد. این‌ها که در زمان تاریخ بشریت گرد.» رضا حامدی خواه کارگردان مستند فاروق هم مستند خود را در این مراسم ارائه کرد. او دربارهٔ اثرش گفت: «سخت است در جمعی که چهره‌های تابناک فرهنگ ایران نشسته‌اند نمی‌گویم، ساکنی و بی‌آلش بودن استاد فاروق کبانی‌پور، برپام‌بانگ بود. ایشان در شهرشان رقصی را با گروهشان اجرا کردند و بعد گفتند ما هدیه‌ای نداریم و این هدیه من پس از ۵۰ سال کز قدیم به شماست. این صداقت و صمیمیت استاد مرا زحمت‌ناگتر قرار داد که مستند را براساس آنچه دیدم، ایشان در شهرشان و کمکی نکردند تشکر می‌کنم. کمی پیام شدند فیلم «فاروق‌خاسته»» همچنین رقص‌های آیینی توسط گروه گیلان جام با هنرمندی فرمان آینه‌گویی، محمد اظهم و پنجه کبانی، اجرا شد. گروه رقص آذربایجانی هم در این مراسم رقصی را به نمایش گذاشتند و فرانسه کابلی، هنرمند نامدار ایرانی، از عمارت حمید قلی‌پای ملی و پنتونیو به فاروق کبانی‌پور پیراژ کرد. می‌سایند، نغمه‌خوان موسیقی فولک ایرانی، هم در پیامی ویدئویی از این شخصیت برجسته هنر ایران گفت: «علیرضا قاشمی، عضو قلمب زبان و ادبیات فارسی دانشکاه فریوسی مشهد، در بخش‌ی آریام‌نویسم‌خوان خود این شخصیت را متعلق به تمام هنرمندان ایران از نوسرتوف کرد.» «اولین خواننده کتاب فاروق با وادقسن واقعی است. با آن که ایشان مدت‌ها با بیماری سختی دست و پنجه نرم کرده و با ناامیدی از بیمارستان مرخص شده‌بود؛ برای شرکت در مراسم روزنامه‌نگاران فاروق این علاقه می‌کند. خوارتشی حنه او را که مانند طفلی کوچک شده‌بود، بر روی ویلچر نشاندند و به خانه هنرمندان ایران آوردند. مجری برنامه که ایشان می‌نویسند و پیراژ خوش‌اند می‌گفت: با احترام ما این حضور را اولین خواننده کتاب فاروق، کادها را به‌سوی او معلول می‌گوییم. بانو اقدس وادقسن در حالی که در گوشه‌ای بی‌روی ویلچر نشسته و باغی گل‌ریزی که از برای نویسنده کتاب

یک کتاب، یک نیشابنده



مایا ز نخواستیم گشت بدان گونه که از آن جارقیم



آورده بود، بر سینه می‌فشارد با صدای آرامی گفت: «با نوشته‌های شهلا ناظران آشنایی داشتم. دوسال پیش در حال رانسه را خواندم. توصیف ایشان از حالات روحی شخصیت‌های رمان به‌گونه‌ای است که از ادبیاتی خود جامی‌شوی و با آن‌ها همراه می‌شوی. این مطلب من است. زیرا در راه‌های رگمی فراموش می‌کنم.» شهلا ناظران از حضور ایشان، اشک شوق در دیدگانش جمع شد و شخصیت اصلی کتاب فاروق کبانی در برابر آن‌ها بازآورده و ادای احترام نمود. محمد فاروق کبانی‌پور زاده ۲۰ اسفند ۱۳۳۰ که با نام فاروق کبانی شناخته شده، رقصنده محلی و آیینی ایرانی است. او در سال ۱۳۵۶ با گروه هنرهای آیینی ایرانی زمین به کاتاندا سفر کرد و نوانست در بین ۷۵ کشور جهان مدال طلا وی و عنوان بهترین بازیگر هنرهای آیینی جهان را از آن خود کند. در سال ۱۳۴۲ دبیر دبیرستان اوفردی به نام «مرایت‌کار» بود که عضو گروه صلح‌زیود، به تشویق اوفردی و دیگر هم‌پرسانش نمایشی دربارهٔ آمدن شیخ جام از کوه بزه به شهر جام را به روی صحنه بردند. این نمایش در کاخ مرکزی جوانان ایران به تهران به روی صحنه رفت. از جمله رقص‌های محلی که او در آن‌ها به هنرنمایی می‌پردازد می‌توان به چیرستان آفریدی، «مشق بلاتن»، «حنلی» و... اشاره کرد. اجراهای دیگر او عبارتند از الهه (سحر)، حنن اوشاری، حنن حسن‌آبادی، حنن بازیزی، آفر (بالا برده) آفر (پایین برده) بلاتن یا پیل‌تلان، (سواره و پیاده)، چوب بازی، کز چوپه، دو چوپه، حنلی، سه چنگ، جامی، چهار چنگ و کورواغلی. نمایش شیخ صنعان برداشتی از ادا منطبق‌الطیر عطار است که تا هنرمندی مرشد کیا در نقش دختر ترسا و فاروق کبانی در نقش شیخ صنعان در رقص شب در سال ۱۳۸۱ در تالار وند تهران به روی صحنه رفت و مورد استقبال محافل هنری قرار گرفت. مهدی شمسانی کارگردان این اثر، دربارهٔ اثرش گفت: «در این مراسم گفت: «شخصیت فاروق کبانی برای اجرای اثر عطار نیشابوری بسیار عالی بود و باعث اختراع بود که در دوره‌ای همراه ایشان بود.» مدلیو به باستان‌پژوه هنری خانه هنرمندان ایران در این مراسم، به‌محمد فاروق کبانی پیروا آمد. تتیس حسین با آن که ایشان مدت‌ها با بیماری سختی دست و پنجه نرم کرده و با ناامیدی از بیمارستان مرخص شده‌بود؛ برای شرکت در مراسم روزنامه‌نگاران فاروق این علاقه می‌کند. خوارتشی حنه او را که مانند طفلی کوچک شده‌بود، بر روی ویلچر نشاندند و به خانه هنرمندان ایران آوردند. مجری برنامه که ایشان می‌نویسند و پیراژ خوش‌اند می‌گفت: با احترام ما این حضور را اولین خواننده کتاب فاروق، کادها را به‌سوی او معلول می‌گوییم. بانو اقدس وادقسن در حالی که در گوشه‌ای بی‌روی ویلچر نشسته و باغی گل‌ریزی که از برای نویسنده کتاب

در حاشیه نخستین نمایشگاه آشنایی با مرمت اسناد و دست‌نویس‌های خطی مطرح شد:

۴۵ سال فیش برداری برای تالیف فرهنگ گویش بومی نیشابور



ماه غزوت و تا ۲۶ خرداد ماه در محل سالن موزه ریاض‌شاه عباسی پهنای بازدیدکنندگان بود. در این نمایشگاه ۲۵ اثر مرمتی به نمایش گذاشته شد. هوزمان با این رویداد، لوح ثبت ملی مجسمه حکیم خیام نیشابوری در باغ اراکله خیام‌یرحمایی شد. رئیس اداره میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی نیشابور گفت: «این تدبیر نفیس به‌شماره ۲۵۶۵ مورخ ۱۳۱۷/۱۲/۱۴ در فهرست آثار ملی میراث فرهنگی منقول ایران به ثبت رسیده است. مجسمه نیم‌تنه حکیم خیام با ارتفاع ۹۰ سانتیمتر، از جنس سنگ مرمر کارازا سفید رنگ) در شهر رم کشور ایتالیا و تماماً دست‌ساز و متناسب با ویژگی‌های خاص شخصیتی حکیم خیام طرخی ساخته شده است. این اثر فاخر در داخل باغ صفای و مرمت‌گاه اراکله حکیم نصب شده است.» خانی یادآور شد: «باواحسن خان صدیقی هنرمند نقاش و مجسمه‌ساز برجسته ایرانی که کارشگاران کمالی فلک‌شده، این اثر را از مرمت‌گاه در سال ۱۳۴۹ شمسی ساخته و همان‌سال طی مراسمی در این مجموعه نصب شده است.»

رومنمای از کتاب «فرهنگ گویش بومی» اثر «عباسعلی حشمتی» و نخستین نمایشگاه آشنایی با مرمت اسناد و دست‌نویس‌های خطی به‌بانه هفته صنایع دستی در موزه باستان‌شناسی نیشابور برگزار شد. به گزارش آفتاب صبح نیشابور، احمدزین‌سالار، معرفی‌اثر جدید عباسعلی حشمتی گفت: «کار از شنیدن‌اش در حوزه زبان و فرهنگ خراسانی کار یک بنیاد است که یک تنه انجام داده است. آفای حشمتی ۲۵ سال فیش‌برداری کرده و حدود ۶۰۰ لغت و اصطلاح و مثل و کلیه یک تنه جمع کرده است. کاری را که طی ۳۰ سال گذشته به جوانان پیشینه‌دار داد تا تپس‌زایی کنند و کار را پیش ببریم و جوانان خان‌جالی می‌دانند ایشان به‌تنهایی انجام داد چون تمام این آوازه‌ها از دست‌های این تمام و زگان گویش نیشابوری نیست ولی سرنخی است برای کسانی که بعد از ایشان می‌خواهند این مسیر را پیش ببرند.» او پس توضیح داد: «برشمناسی در ساختار زبان‌ریشه‌ها و آوازه‌ها بررسی می‌کنند عبرت‌های همچون علونک شاتگر و چون دیوماری در فردا است که از طریق برشمناسی قابل فهم می‌شود.» عباسعلی حشمتی هم دربارهٔ خود گفت: «اولین کار

نویسند، داستان، پشتم از زبان خواهر داود (اسماعیل) و یوسف، امل روایت می‌شود.